

یادداشت

خاتمی علیه رویبو

او با این روایت گزینشی از تاریخ، می‌کوشد ایران را تهدیدی علیه صلح و توسعه جهانی معرفی کند و از این رهگذر، زمینه را برای احیای راهبرد ناکام اجماع جهانی علیه تهران فراهم آورد. رویبو با این سخنرانی دیگر در آتن، کوشید منازعه ایران و آمریکا را از سطح اختلافات ژئوپلیتیکی بر سر توان موشکی، محور مقاومت و برنامه هسته‌ای، به عرصه‌ای عمیق‌تر و فراگیرتر، یعنی تقابل تمدنی میان جبهه خیر به رهبری غرب و جبهه شر به محوریت ایران و شرق ارتقا دهد. بدین‌ترتیب، او با بازتعریف ماهیت این منازعه در چارچوبی تاریخی و تمدنی، نشان داد در این روایت، رویابویی تهران و واشینگتن نه نژاعی محدود و مقطعی بر سر چند پرونده سیاسی و امنیتی، بلکه نبردی سرنوشت‌ساز بر سر هویت، میراث تاریخی و آینده نظم جهانی تصویر می‌شود. تلخ آنکه جمهوری اسلامی، در پی افول اعتبار و کارآمدی رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی خود، تاکنون نتوانسته است ابعاد تاریخی و تمدنی این رویابویی را به‌درستی برای افکار عمومی جامعه ایران تبیین و بازتابی کند و زمینه فهم و آمادگی ذهنی جامعه را برای مواجهه با بزنگاهی سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران و ایرانیان تقویت کند؛ بزنگاه‌ی که می‌تواند به بازتعریف جایگاه ایران در جهان و بازاندیشی در نسبت میان ایران و جهان و صیانت از میراث تمدنی این سرزمین کهن بینجامد. تاریخ ایران، روایت‌های پرشماری از عبور دشوار این سرزمین از بزنگاه‌های «بقا» و «وول» را در حافظه خود دارد؛ از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی و مواجهه با جهان هلنی تا فتح ایران به دست اعراب و بازآفرینی جایگاه ایرانیان در تمدن اسلامی؛ از ویرانی‌های یورش مغول و تجزیه‌کشور تا برآمدن دولت صفوی؛ از مواجهه با برتری نظامی و فابوری قدرت‌های غربی و شرقی در قرن نوزدهم و تجربه تلخ عهدنامه‌های تحمیلی تا نهضت مشروطه در سال ۱۲۸۵ و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷؛ و سرانجام، رویابویی نظامی سال ۱۴۰۴ با دو قدرت بزرگ هسته‌ای و نظامی جهان (آمریکا و اسرائیل). در هریک از این بزنگاه‌ها، ایران ناگزیر بوده است نسبت خود را با جهان پیرامون، قدرت‌های مسلط و الزامات تداوم حیات سیاسی و تاریخی ایرانیان در سرزمین خود بازتعریف کند. درس تاریخ برای روزگار ما این است که عبور موفق از بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز، نه الزاما از انتخاب راهبرد «جنگ»، حاصل می‌شود، نه صرفا با اتکای به «مقاومت» و «دفاع رو به جلو» تضمین‌پذیر است و نه «سازش» یا «تسلیم» خلاصه می‌شود. آنچه بقای ایران را در برابر تندباد حوادث و در یکی از حساس‌ترین کانون‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی جهان ممکن ساخته، پیش و بیش از هر چیز، موهون کیفیت تصمیم‌های راهبردی و تصمیم‌گیران در لحظات سرنوشت‌ساز تاریخ و در مرتبه‌ای دیگر، ظرفیت تاریخی جامعه ایرانی برای تاب‌آوری، سازگاری و بازسازی خودش در برابر فشارها و گسست‌های بیپایا بوده است. تاریخ گواهی می‌دهد نه عمق و غنای تمدنی به‌خودی‌خود ضامن بقا و برتری ملت‌هاست و نه فقدان چنین پشتوانه‌ای الزاما به سقوط و فرسایش آنها می‌انجامد؛ آنچه سرنوشت ملت‌ها را رقم می‌زند، توانایی تبدیل میراث تمدنی به ظرفیت قدرت‌آفرینی، نوسازی، سازگاری و تاب‌آوری با تحولات زمانه است. امروز، جمهوری اسلامی ایران در شرایطی قرار دارد که با محدودیت‌های شرکای راهبردی، تشدید فشارهای بین‌المللی و خطر ازسرنوشتی درگیری‌های نظامی با آمریکا و اسرائیل مواجه است؛ وضعیتی که می‌توان آن را نوعی «تهنایی راهبردی» توصیف کرد. در چنین شرایطی، پاسخ مؤثر نمی‌تواند صرفا در تداوم سیاست‌های بازدارنده یا واکنش به اقدامات رقا خلاصه شود. ایران به ابتکاری نیاز دارد که ضمن صیانت از منافع و امنیت ملی، دامنه همکاری‌های بین‌المللی خود را گسترش دهد، روایت‌های سوگیرانه و ایران‌هراسانه را به چالش بکشد و ظرفیت‌های تمدنی در برابر فشارها و گسست‌های بیپایا برای تولید ارزش مشترک تبدیل کند. ابتکاری که بتواند تصویر کشور را از تله امنیتی‌سازی ایران در معادلات جهانی، به شریکی غیرقابل جایگزین یا حذف‌نشدنی برای حل مسائل مشترک بشریت ارتقا دهد. ازاین‌رو، پیشنه‌ای می‌شود دولت چهاردهم به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران، با هم‌فکری کشورهای «دوست و هم‌بیمان منطقه‌ای و فراتر از آن، ابتکاری جهانی با عنوان «تمدن جهانی؛ صلح و توسعه برای همه» را مطرح کند. مقصود، ادعای ابداع مفهوم «تمدن جهانی» نیست؛ ابتدایی که در فلسفه تاریخ و نظریه‌های جهانی‌شدن سابقه‌ای طولانی دارد و در سال ۲۰۲۳ نیز در قالب «ابتکار تمدن جهانی» از سوی شی جین‌پینگ مطرح شد. اهمیت پیشنهاد ایران باید در صورت‌بندی متمایز آن، یعنی پیوند تنوع تمدنی با صلح پایدار، توسعه فراگیر، عدالت و زیست‌پذیری سرزمین‌ها، جست‌وجو شود. این ابتکار می‌تواند امتداد راهبردی گفت‌وگوی تمدن‌ها باشد، اما از سطح تفاهم فراتر رود و بر همکاری عملی برای حل مسائل مشترک بشریت تمرکز کند. جهان امروز به گفت‌وگو نیاز دارد، اما گفت‌وگو به‌تهنایی برای مواجهه با بحران‌های فراینده کافی نیست. تغییر اقلیم، تنش‌های آبی، تخریب منابع طبیعی، فقر، نابرابری و افراطی‌گری، بحران‌هایی به‌هم‌پیوسته‌اند که امنیت انسانی، ظرفیت توسعه و ثبات جوامع را تهدید می‌کنند. رقابت بر سر آب، انرژی، غذا و مواد معدنی حیاتی نیز در غیاب سازوکارهای همکاری، می‌تواند به منازعاتی تازه و فرساینده بینجامد. بنابراین، مسئله فقط جلوگیری از برخورد تمدن‌ها نیست، بلکه ایجاد ظرفیت مشترک برای صیانت از شرایط زیست انسانی و گسترش فرصت‌های توسعه است. «تمدن جهانی» در این معنا، نه به معنای یکسان‌سازی فرهنگ‌ها و هویت‌هاست و نه تحمیل یک الگوی سیاسی و اقتصادی واحد و دیکته‌شده بر ملت‌ها. مقصود، ایجاد چارچوبی برای همکاری تمدن‌های متنوع در حفاظت از منابع طبیعی، کاهش فقر و نابرابری، مقابله با تروریسم و افراطی‌گری و تضمین فرصت‌های توسعه برای نسل‌های کنونی و آینده است. تفاوت‌های تمدنی باید محترم شمرده شوند، اما هیچ کشوری نمی‌تواند نسبت به پیامدهای افراطی رفتار خود (حتی در مقوله تخریم، محاصره یا جنگ) بی‌اعتنا بماند و هیچ ملتی نیز نباید از فرصت‌های توسعه محروم شود. پاسخ تاریخی ایران به روایت‌های انتصارگرایانه از تمدن غرب، نه انکار میراث یونان و اروپا و نه رقابت بر سر افتخارات باستانی است، بلکه نشان‌دادن سهم تمدن ایران در میراث مشترک بشریت و توانایی آن برای مشارکت در ساختن آینده است. اعتبار تمدن‌ها امروز، علاوه بر قدمت تاریخی، به توانایی آنها در گذشون راه‌هایی برای صلح، توسعه و زندگی شایسته انسان‌ها وابسته است. اگر رویبو تاریخ را به مرزی برای تفکیک تمدن‌ها و توجیه صفت‌بندی و توجیه منازعه میان آنها تبدیل می‌کند، ایران می‌تواند با ابتکاری نو، آن را مبنایی برای مسئولیت مشترک در قبال آینده قرار دهد. لذا «تمدن جهانی؛ صلح و توسعه برای همه» می‌تواند چارچوبی برای گذار از رقابت و تقابل به همکاری و تعامل همه کشورها، دولت‌ها و ملت‌ها برای ساختن آینده‌ای عادلانه‌تر، امن‌تر و زیست‌پذیرتر بر روی این کره خاکی باشد.

کسی برای خاندان سعودی نمی‌میرد

در هم این سال‌ها، وقتی این شرکت سهامی، همه چیز را خرید، تمام کردند عشق به خاک را هم می‌شود با پرداخت پول خرید. اما حالا که جاب ترکیده، نهم‌تپها هیچ‌کس در هیچ‌کجای دنیا اهنگانی نمی‌دهد که چه بلایی بر سر این خاندان می‌آید، بلکه خود اسکان این شزار هم اهیتی به سرنوشت این خاندان نمی‌دهند و چرا بدهند؟ آن زمان که همه دنبال بردن نکه‌ای از یک ثروت خاندانی هستند که به‌جای ملت، خود را صاحب این سرزمین می‌داند و می‌گوید این عربستان، از آن سعودی است و نه باقی ساکنان این شزار و اینجا اگر عربستان است، «عربستان سعودی» و نه عربستان مردم است، همین می‌شود که امرا و سران ارتش نیز فهرست سراز جعل می‌کنند، فهرست سربازانی که ۸۰ درصدشان وجود خارجی ندارند، تا حقوق این سربازان جعلی را به جیب بزنند. شسنزاری که از بالا تا پایین جیب یکدیگر را خالی می‌کنند. و وقتی مردم یک سرزمین حاضر نباشند برای خاک خود بمیرند (که از بچگی به آنها با داده‌اند این خاک تو نیست، خاک سعودی است)، چرا مردمان سرزمین‌های دیگر برای سعودی بمیرند؟ و برای همین است که با وجودی که نام خادمان حرمین شریفین را بر خود نهاده‌اند، حتی یک تجمع ۱۰انفره در هیچ کشور مسلمان به حمایت از آنان برگزار نشده است. این‌گونه است که هیچ‌کس حاضر نیست برای شرکت سهامی سعودی بمیرد؛ نه در درون این شرکت سهامی و نه در بیرون آن.

ادامه از صفحه اول

محمدحسین موسوی، آغاز سال تحصیلی جدید برای دانشجویان دانشگاه‌های بزرگ پایتخت، نه با دغدغه‌های آکادمیک، که با سرشکن‌شدن مستقیم هزینه‌های تورم بر زیست روزمره آنها همراه شده است؛ از جهش دوبرابری نرخ اسکان در خوابگاه‌های فرسوده و پرجمعیت گرفته تا کوچک‌ترشدن سبد تغذیه، افزایش قیمت غذا و فشار مضاعف بر دانشجویان شبانه و سنواتی، روایت‌های دانشجویان از دانشگاه‌های تهران، شریف، علامه طباطبایی و الزهرا نشان می‌دهد حتی با توقف اجرای «طرح نوین تغذیه» که طبق گزارش «مرکز پژوهش‌های مجلس» در بطن خود منطق کالایی‌سازی خدمات رفاهی را جای داده بود، این منطق با شتاب در تاروپود مدیریت دانشگاه‌ها جریان دارد؛ دانشگاه‌های بیش از پیش در حال شاهانه‌خالی‌کردن از ارائه خدمات رفاهی و معیشتی به دانشجویان هستند و فشار اقتصادی هرروز بیش از دیروز «زیست دانشجویی» را دچار مشکل می‌کند. تلاش «شرق» برای گفت‌وگو با مسئولان وزارت علوم ناکام ماند و به سنت این دوره مدیریت، روابط عمومی وزارت علوم از ارائه توضیحات به «شرق» خودداری کرد.

دوبرابرشدن قیمت خوابگاه

«زهر» دانشجوی دوره کارشناسی در «دانشگاه تهران» است. او امسال به ساختن ۷۱ «مجمتع خوابگاهی چمران» در انتهای خیابان کارگر شمالی منتقل شده است و می‌گوید با وجود اینکه کیفیت غذای دانشجویی تا حدی بهتر شده، تغییر شیوه توزیع غذا برای دانشجویان هزینه‌ساز شده است: «سال گذشته غذا در ظرف یک بارمصرف توزیع می‌شد، اما امسال باید با ظرف شخصی مراجعه کنیم و اگر ظرف یک بارمصرف بخواهیم، مشمول هزینه اضافی است.» به گفته او وعده‌های غذایی همچنان محدود به ناهار و شام است و بن‌های تغذیه اختصاص‌یافته شکاف عمیقی با نیازهای واقعی دانشجویان برای تأمین زندگی روزمره خود دارند: «بن خرید لبنیات بگانه که تعلق نمی‌گیرد، هفته‌ای ۶۰۰ هزار تومان است که به هیچ‌وجه کفاف نمی‌دهد، اخیرا حتی این برها برای یکی دو روز غیرفعال شدند و فقط امکان خرید آزاد از فروشگاه وجود داشت. مسئله اینجاست که این سهمیه فقط محتض لبنیات است، ما میوه نمی‌خوریم و همین کمبود باعث شده بدن بچه‌ها ضعیف شود و در یک اتاق ۲۰متری، مدام بیماری میان همگی ما دست‌به‌دست شو.» شرایط بهداشتی خوابگاه چمران نیز مناسب نیست، «زهر» می‌گوید: «سقف سرویس‌های بهداشتی مدام چکه می‌کند و آبی که می‌ریزد اصلا تمیز به نظر نمی‌رسد. بدتر از آن سقف آشپزخانه است که در دست وسط محلی که آشپزی و شست‌وشو انجام می‌شود، آبی از سقف با منشأ نامشخص روی وسایل و اسباب‌غذای دانشجویان می‌ریزد. این وضعیت حدود یک هفته است ادامه دارد.» او از تجربه تلخ هم‌اتاقی‌هایش از مراجعه به مسئولان دانشگاه می‌گوید: «وقتی جاه گرفتگی پیدا کرد و نیرو آوردند، سرپرست خوابگاه به‌جای رفع اصولی مشکل، بچه‌ها را مقصر دانست و سرکوفت زد که شما وسایل بهداشتی داخل چاه می‌اندازید.» این فرسودگی و بی‌استانداردی در حالی رخ می‌دهد که هزینه اسکان تقریبا دو برابر شده است: «در سامانه گلستان، هزینه اسکان که ترم‌های پیش برای خوابگاه سطح پایین‌تر حدود ۷۰۰ هزار تومان بود، این ترم برای این خوابگاه به حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسیده است؛ یعنی هزینه‌ها تقریبا دو برابر شده. او درباره وضعیت اتاق‌های خوابگاه به تراکم بالای دانشجویان در یک اتاق و مناسبت‌نبودن امکانات می‌گوید: «اتاقی که تحویل گرفتیم فقط سه میز و سه صندلی دارد و یکی از تخت‌های طبقه بالا حتی نرده محافظ ندارد و هم‌اتاقی‌ام

گزارش «شرق» از روند نزولی ارائه خدمات رفاهی در دانشگاه‌ها و روایت دانشجویان از تأثیر این مسئله بر آنها

زیست دانشجویی زیر بار گرانی



هر شب حس می‌کند ممکن است سقوط کند. در اصل اتاق ما برای چهار نفر بود، اما شش نفر را در آن اسکان داده‌اند.» بحران دسترسی به خدمات درمانی دانشگاه نیز چالش جدی دیگری است. «زهر» با اشاره به تجربه مراجعه به درمانگاه ۱۶ آذر در پردیس مرکزی دانشگاه تهران می‌گوید: «خوابگاه ما پزشک ندارد. برای یک سرماخوردگی ساده با وجود بیمه و تخفیف دانشجویی، ۹۰۰ هزار تومان هزینه دارو و درمان روی دستم ماند، چون مواردی مثل کاور تخت و الکل را هم جداگانه در نسخه لحاظ کردند در حالی که استفاده نشد. بدتر اینکه به دلیل بی‌دقتی پزشک و عدم بررسی سابقه، داروهایی تجویز شد که با داروهای روان‌پزشکی‌ام تداخل شدید داشت و کارم به معده‌ درد و درد قفسه سینه کشید و دو روز بعد ناچار شدم مجددا به همان درمانگاه مراجعه کنم.» موقعیت جغرافیایی خوابگاه که در انتهای کارگر شمالی قرار گرفته و از خطوط مترو دور است، فشار مالی مضاعفی برای رفت‌وآمد شبانه ایجاد کرده است: «سرویس‌های دانشگاه از پردیس مرکزی تا خوابگاه فقط تا ساعت ۱۸:۳۰ فعال هستند. بعد از آن ساعت، دسترسی به نزدیک‌ترین مترو بسیار دشوار است و هزینه اسنپ در این مسیر به ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد. گذشته از هزینه، تاریکی و ناامنی مسیر انتهای خیابان در ساعات پایانی شب نیز برای خانواده‌ها و خودمان نگران‌کننده است.» در نهایت، فشارهای اقتصادی در کنار افت خدمات رفاهی دانشگاه، او را مجبور به مدیریت سفت و سخت هزینه‌های خود کرده است: «سال گذشته اگر استادی کتابی معرفی می‌کرد می‌خریدم، اما امسال حتی توان خرید کتاب‌های درسی دانشگاه را هم ندارم، اگر قابل پی‌دی‌اف نباشد، مجبورم فقط همان چند صفحه‌ای را که تدریس می‌شود پرینت بگیرم. از خوراک و تفریح تا کتاب‌های دانشگاه و کتاب‌های شخصی، همه چیز را مجبور شده‌ام به حداقل برسانم.»

کاهش خدمات، افزایش هزینه‌ها

«حسین»، دانشجوی دوره کارشناسی ارشد دانشگاه «صنعتی شریف» است. او می‌گوید در بخش تغذیه، کیفیت غذا بهتر شده است: «کیفیت غذا نسبت به ترم گذشته بهتر شده، اما علتش این است که دانشگاه گاز ندارد و پخت‌وپز در خود دانشگاه انجام نمی‌شود، بلکه غذا را به صورت آماده از بیرون تأمین می‌کنند. نرخ مصوب غذا برای دانشجویان عادی حدود ۳۵ هزار تومان است،



می‌کند: «حدود چهار هزارو ۵۰۰ تن میلگرد و ۴۰ هزار تن آسفالت در اجرای پروژه استفاده شده است. همچنین ۲۵ هزار قطعه پیش‌ساخته در بخش‌های مختلف پروژه به کار رفته و وزن سازه‌ها و تجهیزات مربوط به حصارکشی نیز حدود ۱۳۰ هزار کیلوگرم بوده است. برای مقایسه، حجم ۵۰۴ هزار مترمکعب خاک‌برداری انجام‌شده، معادل حدود صد هزار کامیون و حجم ۱۰۲ هزار مترمکعب خاک‌ریزی نیز معادل حدود ۲۰ هزار کامیون است.» در کنار این اعداد، گزارش‌های منتشرشده از پروژه از اجرای تجهیزات ایمنی جدید نیز خبر می‌دهند. از جمله، برای نخستین بار در کشور، حفاظ‌های گلنکی در این طرح نصب شده که به گفته معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان، با هدف افزایش ایمنی کاربران ترافیکی و کاهش پیامد خطاهای رانندگی مورد استفاده قرار گرفته است.

مسئله‌ای که فقط ترافیکی نیست

یکی از تفاوت‌های این پروژه با یک تقاطع غیرهمسطح معمولی، قرارگرفتن آن در میان دو بخش از محله حصه است. در سال‌های گذشته، زیرگرهای قدیمی این محدوده

شرق روزانه

چیزی که حذف می‌شود، بیرون‌رفتن و تفریحات است. از تمام هزینه‌های جانبی می‌زینم تا فقط بتوانیم مخارج اصلی و ضروری مثل خوراک روزمره را تأمین کنیم.»

افزایش فشار بر دانشجویان سنواتی

«حسنا» از فعالان صنفی دانشگاه «علامه طباطبایی» است. او می‌گوید در حوزه تغذیه، مهم‌ترین تغییر در دانشگاه او، واریز مستقیم اعتبارات از سوی صندوق رفاه به حساب شرکت‌های تأمین‌کننده و حذف مداخله مالی دانشگاه در تخصیص بودجه است: «قرار بود طرح جدید تغذیه اجرایی شود که لغو شد، اما تبعات ساختار آن باقی ماند. صندوق رفاه اعتبار را مستقیم به پیمانکار می‌دهد و هیچ مبلغی برای مدیریت سلف به دانشگاه نمی‌رسد. یک شرکت معتبر تأمین غذای اغلب دانشگاه‌های تهران را دست گرفته و سلف خود دانشگاه‌ها هم تأمین‌کننده جداگانه‌ای دارند؛ اما چون دست دانشگاه در بودجه بسته است، شاهد نصف‌شدن حجم غذاها نسبت به سال قبل هستیم. کیفیت غذای علامه از قبل خوب بود و همان کیفیت حفظ شده، اما حجم غذا نصف شده و دورچین‌ها نیز به دلیل کمبود بودجه کاملا حذف شده‌اند.» وضعیت اسکان در خوابگاه‌ها نیز برای بخش بزرگی از بدنه دانشجویی بحرانی‌تر از گذشته شده است. در حالی که نرخ مصوب خوابگاه برای دانشجویان روزانه با تعیین صندوق رفاه در رقم دومیلیون و ۵۰۰ هزار تومان در هر ترم ثابت مانده، اما دسترسی به خوابگاه برای سایر گروه‌ها به‌شدت محدود شده است: «دانشجویان شبانه و سنواتی عملا شانس بسیار کمتری برای گرفتن خوابگاه دارند و فرایند اسکان برای آنها به‌شدت دشوار است؛ تاجایی که دانشگاه به دانشجویان شبانه که مشمول ظرفیت نمی‌شوند، خوابگاه‌های آزاد شهری را معرفی می‌کند که هزینه‌های سنگینی دارند.» او با اشاره به تراکم بالای اتاق‌ها، به وفانکردن دانشگاه به قول‌های خود اشاره می‌کند: «دو سال پیش وزیر علوم و مسئولان دانشگاه از خوابگاه‌های علامه به‌ویژه خوابگاه‌های دختران بازدید کردند و قول رسیدگی به تراکم بالا داده شد، اما این بحران حل نشده و همچنان در یک اتاق ۲۵متری حدود هشت دانشجوی اسکان داده می‌شوند که به‌ویژه در خوابگاه دختران دشواری‌های زیادی ایجاد کرده است.» تغییر در بسته‌های حمایتی صبحانه نیز به کاهش سبد غذایی دانشجویان انجامیده است: «سال گذشته سهمیه صبحانه به شکل سبد ازراق توزیع می‌شد، اقلام متعددی داشت و بچه‌ها می‌توانستند هر دو ماه یک بار مواردی مانند روغن، رب گوجه‌فرنگی و تخم‌مرغ را در کنار اقلام صبحانه تحویل بگیرند؛ اما امسال این سهمیه کاملا به محصولات لبنی شرکتی محدود شده است.» «حسنا» می‌گوید در بخش درمانی نقطه مثبتی دیده می‌شود: «درمانگاه‌های دانشگاه همچنان فعال هستند و اتفاق مثبت این ترم، راه‌اندازی درمانگاه داخل مجتمع خوابگاهی بود. با این حال، سرویس‌های ایاب‌ذهاب پردیس‌ها به دلیل پراکندگی دانشگاه علامه، با تأخیر و کمبود مواجه‌اند و رفت‌وآمد بچه‌ها را سخت کرده‌اند.» «حسنا» در نهایت می‌گوید خدمات رفاهی دانشگاه به‌هیچ‌وجه تأمین‌کننده هزینه‌ها نیست: «برای دانشجویان شبانه و سنواتی زندگی بسیار سخت‌تر شده و هزینه‌ها اوج گرفته است. دانشجویان روزانه هم نمی‌توانند با خدمات موجود هزینه‌های خود را مدیریت کنند.» امروز قریب‌به‌اتفاق دانشجویان ناچارند کار کنند تا بتوانند از پس هزینه‌های پایه دانشگاه و خوابگاه برنایند؛ باری سنگین که رسالت اصلی زیست دانشجویی را تحت‌الشعاع قرار داده است.»

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

گزارش «شرق» از مجموعه پل‌ها و زیرگذر بزرگراه شهید آیت‌الله رفسفهان

۳ کیلومتر برای عبور از یک گرهِ قدیمی

عملا بخشی از ارتباط میان حصه شمالی و جنوبی را تحت تأثیر قرار داده بودند. در روایت مدیریت شهری، طرح جدید قرار است این ارتباط را با مسیرهایی ایمن‌تر برقرار کند و هم‌زمان بخشی از فضای پیرامون معابر را سامان دهد. از این منظر، ارزیابی پروژه فقط به تعداد خودروهایی که از زیرگذر عبور خواهند کرد محدود نمی‌شود. ایمنی تردد، دسترسی محلی، ارتباط دو بخش حصه و تأثیر پروژه بر کیفیت زندگی ساکنان نیز بخشی از نتیجه‌ای است که باید در ادامه بهره‌برداری سنجیده شود. شورای شهر اصفهان نیز در زمان افتتاح پروژه، بر آثار اجتماعی و ایمنی آن در محدوده حصه تأکید کرده است. شهردار اصفهان پیش از این گفته بود محور شهید آیت‌الله رئیسی یکی از ورودی‌های مهم شرق اصفهان است و بهره‌برداری از پروژه می‌تواند با روان‌سازی ترافیک، کاهش زمان سفر و مصرف سوخت همراه شود. همچنین اتصال این محور به رنگ چهارم، امکان انتقال بخشی از ترافیک عبوری و به‌ویژه خودروهای سنگین به مسیرهای پیرامونی شهر را فراهم می‌کند.

۱۵۰۰ میلیارد تومان برای سه کیلومتر

مقیاس پروژه در نهایت خود را در هزینه اجرا نیز نشان می‌دهد. کشاورزارد درباره هزینه اجرای مجموعه به «شرق» می‌گوید: «مجموع هزینه اجرای مجموعه پل‌ها و زیرگذر بزرگراه شهید آیت‌الله رئیسی حدود هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان بوده است.» رقم هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان، در گزارش‌های منتشرشده از سوی مدیریت شهری نیز به عنوان اعتبار با هزینه اجرای پروژه اعلام شده است. اما اهمیت این رقم زمانی روشن‌تر می‌شود که در کنار ابعاد فیزیکی پروژه قرار گیرد؛ سه کیلومتر طول، هزارو ۸۰۰ متر زیرگذر، هفت پل، شش تقاطع، صدها هزار مترمکعب عملیات خاکی، حدود ۵۰ هزار مترمکعب بتن، چهارهزارو ۵۰۰ تن میلگرد و ۴۰ هزار تن آسفالت. پروژه شهید آیت‌الله رئیسی در نهایت قرار نیست صرفا یک مسیر جدید برای عبور خودروها باشد؛ ادعای اصلی درباره آن، حل هم‌زمان چند مسئله در شرق اصفهان است؛ از کره ترافیکی و ایمنی گرفته تا دسترسی میان حصه شمالی و جنوبی و ارتباط با شبکه بزرگراهی شهر. به همین دلیل، کارنامه واقعی این پروژه را نه در روز افتتاح، بلکه در ماه‌ها و سال‌های پس از بهره‌برداری می‌توان سنجید؛ جایی که باید مشخص شود این سه کیلومتر تا چه اندازه توانسته است زمان سفر، ایمنی و کیفیت دسترسی در این بخش از شهر را تغییر دهد. گفتنی است مجموعه پل‌ها و زیرگذر بزرگراه شهید آیت‌الله رئیسی در شمال شرق اصفهان، هفتم شهرویر سال جاری با دستور برخط مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، به بهره‌برداری رسید. این طرح با طولی حدود سه کیلومتر، شامل هفت پل و هزارو ۸۰۰ متر زیرگذر است و در مساحتی حدود ۳۰۰ هزار مترمربع اجرا شده است. این پروژه با هدف ساماندهی یکی از گرهِای ترافیکی شمال شرق اصفهان، افزایش ایمنی تردد و تکمیل ارتباط این محدوده با شبکه معابر اصلی شهر به بهره‌برداری رسید.